یادداشت میهمان

حلب و موصل نماد وحدت علیه تروریسم

جنـــگ در حلب و موصل با تغییر توازن قوا از جبهه به اصطلاح بین المللی به نفع جبهه منطقه ای (محور مقاومت) واقعیتهای بیشتری را آشکارتر کرده است.

۱- علی رغم فضاسازی های وسیع و گسترده مقامات آمریکایی و صهیونیستی و رسانه های وابسته به جبهه استکبار برای القای جنگ طائفه‌ای و قومی - مذهبی در عراق و ســـوریه اکنون با متحد شدن همه اقشار مردم در این دو کشور- از هر دین و مذهب و قوم و سلیقه سیاسی- برای مبارزه با تروریست‌ها، نبرد در حلب و موصل به نماد اتحاد و وحدت سوری ها و عراقی ها و بلکه همه مردم منطقه علیه تروریسم تبدیل شده و فضاسازیهای رسانه های غربی - عربی - عبری رنگ باخته است. چنان که رئیس جماعت علمای اهل تسنن عراق تاکید کرده فقط در عراق بیش از ۲۰هزار نفر از نیروهای الحشدالشعبی از شهروندان سنی عراقی هستند که در کنار برادران شیعه و کرد خود مشغول مبارزه با تروریست‌ها هستند

۲- نبـــرد حلب و موصل با برنامه ریزی های خود ســـوری ها و عراقی ها و با محوریت دولتهای قانونی و برآمده از رای مردم این کشـــورها هدایت می‌شود و ترکیب نیروهای شرکت کننده در این عملیاتها را هم خود دمشق و بغداد تعیین کرده و نه آمریکا . لذا نبرد حلب و موصل نشان می‌دهد نیروهای سوری و عراقی میتوانند با ایجاد اتحاد ملی، رویکردی جامع و فراگیر برای آزادی مناطق مختلف کشورشان از دست تروریست‌ها داشته باشند و نیازی به حضور بیگانگان و دخالت آنها در امور کشورشان ندارند .

۳- در طـــرح خاورمیانه جدید یا نوین آمریـــکا داعش و بقیه گروهک های تروریســـتی برای تجزیه کشورهای منطقه بوجود آمده بودند اما با آزادی حلب و موصل تروریسم بدون تحقق اهدافش از منطقه برچیده می شود و همه توطئه های دشمنان منطقه ای و فرا منطقه ای را به شکست خواهد کشاند. لذا آزادی موصل و حلب شکست توطئه جایگزینی اسلام آمریکایی با اسلام ناب در منطقه خواهد بود.

۴- اولا به نظر می‌رسد حمایتهای آمریکا از تروریست‌ها و کشورهای منطقه حامی تروریست‌ها از جمله عربستان و همچنین مناظرات انتخاباتی داخلی آمریکا و افشای ایمیل های کلینتون که به ناچار موجب افشاگری درمورد سیاست‌های اوباما در حمایت از تروریست‌ها شده، ادعای آمریکایی‌ها در مبارزه با تروریسم را بار دیگر زیر سوال برده و ناخواسته رفتار دوگانه و متناقض آمریکایی‌ها را آشکارتر کرده است. ثانیاً - این امر نشان می‌دهد آمریکا فقط با سوء استفاده از پیروزیهای محور مقاومت و ادعای مشارکت در این پیروزیها تلاش دارد خود را در افکارعمومی جهان سردمدار مبارزه با تروریسم جا بزند و از آن بعنوان فضاسازی تبلیغاتی در انتخابات آتی در مقابل جمهوری خواهان اســـتفاده کند، اما سخنان و مواضع دیگر مقامات آمریکایی این ادعای ظاهری اوباما را هم زیر سوال برده است. وزارت دفاع آمریکا نقش نیروهای آمریکایی در نبرد موصل را کم اهمیت توصیف کرده و سخنگویان پنتاگون و ائتلاف بین‌المللی ضد داعش در عراق هم گفتند نظامیان آمریکایی اصلا نزدیک خط مقدم نیســـتند! تونی شیفر افسر اطلاعاتی سیا هم تاکید کرده هیچ نیروی آمریکایی در عملیات موصل حضور ندارد. ثالثاً - آمریکا جنگ حلب را به سوریه و متحدانش باخته، لذا قصد دارد با القای مشارکت در نبرد موصل، شکست حلب را جبران کند. رابعاً سوال این است وقتی که آمریکا و متحدانشان با مشارکت جوانان حشد الشعبی عراقی و سوری در مبارزه با تروریست‌ها در داخل کشورهای خودشان مخالفت میکنند، چگونه ادعای آنها در مشارکت در آزادسازی موصل و حلب می‌تواند صادقانه باشد؟

۵- عملیات موصل و حلب نشان می‌دهد اگر ائتلاف شصت کشور با آن همه امکانات نظامی و اطلاعاتی و رســـانه ای و سیاسی تروریسم را در عراق و سوریه شکست ندادند، نه اینکه نتوانستند، بلکه نمی‌خواستند و اراده‌ای نداشتند. چنان که جان کری وزیر امور خارجه آمریکا علناً تهدید کرد با سقوط (آزادسازی) حلب جنگ خاتمه نخواهد یافت. این سخنان در حقیقت هشداری تلویحی درباره ادامه حمایت آمریکا از تروریســـت‌ها بود، هرچند این ادعاها می‌تواند اهداف تبلیغی و دیپلماتیک هم داشته باشد.

۶- اما مهمترین نگرانی حامیان تروریست‌ها درباره سرنوشت حلب و موصل چیست ؟ اولا نقش مهم و توانایی نیروهای بسیج مردمی در مبارزه با تروریست‌ها است. ثانیا نگران آن هستند که از بعشیقه عراق برای رسیدن به سوریه استفاده شود و اگر این اتفاق بیفتد وضعیت جنگ سوریه هم کاملا تغییر خواهد کرد. ثالثا پیروزی نیروهای سوری و عراقی در جنگ حلب و موصل حتی ظرفیت‌های سیاسی حامیان تروریست‌ها برای مشارکت دادن آنها در معادلات سیاسی آینده این کشورها را هم به خطر می اندازد و این تهدید مهمترین عامل تعجیل طرف‌های غربی برای توافق بر سر آتش‌بس است. رابعاً هرچه که جنگ در موصل پیش می‌رود، سخت‌تر هم خواهد شد اما با حملات برق آسایی که نیروهای عراقی انجام دادند، بر خلاف پیش‌بینی کارشناسان نظامی که احتمال می دادند عملیات موصل ماهها به طول کشد، ممکن است عملیات موصل سریعتر از پیش بینی ها به نتیجه برسد ،و این نگرانی آمریکایی‌ها را بیشتر کرده است.

۷- به دلیل همه این نگرانی ها و شکســـت ها، به نظر می رسد برای آمریکا و متحدانش در حال حاضر ضربه زدن به محور مقاومت مهمتر از تروریست‌ها است. بنابراین تلاش دارند با انتقال تروریست‌های عراق به شرق سوریه به ویژه در رقه و دیرالزور، فشـــار بر محور مقاومت را برای امتیاز گرفتن تشدید کنند. آنگونه که سید حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله هشـــدار داده باید مراقب این طرح امریکا بود و براساس همین هشدار بغداد و دمشق برای خنثی سازی طرح امریکا، با هم هماهنگ شدند.

۸- یکی دیگر از ناکامی های امریکا و عربستان در منطقه بعد از سوریه و عراق ، جنگ یمن است که بعد از ماه‌ها بمباران این کشور نتوانستند به اهداف خود برسند و به ناچار مجبور شدند به آتش بس تن دهند تا هم عربستان از این باتلاق رهایی یابد و هم شاید بتوانند تمام توان خود را بر جلوگیری از سقوط حلب متمرکز کنند. جان کربی تاکید کرده ناچاریم این بازنگری را انجام دهیم!.

۹- شکست امریکا در لبنان را نیز باید به فهرست شکست‌های امریکا در منطقه اضافه و همسو با تحولات جدید ارزیابی کرد که تحلیل آن نیاز به وقت دیگری دارد. چنان که بعد از افشای نقش رژیم صهیونیستی و سعد حریری در ترور پدرش، رفیق حریری نخست وزیر اسبق لبنان از سوی رئیس کمیته قضایی سنای امریکا، جریان المستقبل و ۱۴ مارس وابسته به امریکا مجبور شد،اعلام کند نامزدی میشل عون مورد حمایت حزب الله برای پست ریاست جمهوری لبنان را می‌پذیرد.

۱۰- این سردرگمی‌ها و شکست‌ها باعث شده از شصت کشور ادعایی در ائتلاف به اصطلاع ضد داعش فقط ۱۲ کشور به دعوت امریکا برای حضور در نشست ۲۵ اکتبر در پاریس پاسخ دهند تا برای نقش امریکا در منطقه بعد از آزادسازی موصل و حلب چاره اندیشـــی کند. امریکا تلاش دارد بعداز حذف تروریست‌ها، اولاً روی حزب بعث عراق سرمایه گذاری کند. عزت ابراهیم دبیرکل حزب منحله بعث عراق و معاون صدام حسین هفته گذشته در گفت‌وگو با روزنامه القدس العربی چاپ لندن وابسته به سعودی ها، از مذاکرات خود در دوحه با وزیر امور خارجه قطر و تعدادی از سفرای کشورهای عربی پرده برداشت و تلاش داشت برای پاک کردن جنایات خود و حزبش در عراق و همچنین در همکاری با تروریست‌ها، این حزب را مخالف داعش و امریکا قلمداد کند!. ثانیاً امریکا قصد دارد نقشی همچون نقش طالبان در افغانستان را برای تروریست‌ها در عراق و سوریه متصور شود و تهدیدهای نظامی در این کشورها را به تهدیدهای امنیتی تبدیل کند.

۱۱- شرایط کنونی نشان می‌دهد ترکیه با اتخاذ موضع ضد عراقی خود در کنار مواضع ضد سوری قبلی‌اش، برخلاف امیدهایی که قبلاً ایجاد شده بود، همچنان تصور می‌کند می‌تواند نقش بازوی نظامی غرب را در کنار تحرکات سیاسی آمریکا ایفاء کند.

۱۲- پیروزی های جبهه مقاومت در سوریه و عراق باعث جلب حمایت بیشتر امت های اســـلامی - عربی از این جبهه شده و اکنون کشورهای بیشتری تلاش دارند خـــود را در این جبهه تعریف کنند. همزمان با آغاز عملیات حلب و موصل سفر رئیس شورای امنیت ملی سوریه به مصر و همچنین هماهنگی دو کشور برای مبارزه با تروریسم ، نشان داد قاهره دیگر نمی‌خواهد زیر سایه عربستان سعودی قرار گیرد. هرچند این سفر نخستین سفر یک مسئول امنیتی سوری به قاهره نبود، اما نخستین سفری است که خبر آن اعلام می‌شود و بدون شک علنی شدن این سفر پیام سیاسی و اهمیت نمادین مهمی دارد. رأی مثبت مصر به قطعنامه روسیه در باره ســـوریه و مشروط شدن حضور ایران در نشست لوزان به حضور مصر، به ابتکار رهبرمعظم انقلاب وهمچنین رزمایش نظامی مشترک روسیه در مصر و اعلام آمادگی چین و هند برای کمک به ارتش سوریه را نیز باید دراین جهت تحلیل کرد که موجب سردرگمی بیشتر امریکا وعربستان شده است. چنان که سخنگوی وزارت خارجه امریکا در پاسخ خبرنگاری که از وی پرسید آیا مصر متحد آمریکاست؟، از روی استیصال پاسخ داد «من نمی دانم که لزوما ما متحد مصر هستیم!».

۱۳- به نظر می‌رســـد با حذف تروریست‌ها بعداز آزادسازی حلب و موصل از تحولات آینده سوریه و عراق، آمریکا و متحدانش چاره‌ای جز پذیرش شکست درشرایط کنونی ندارند ونکته مهم در این باره اذعان علنی وزیر خارجه آمریکا به شکست در این میدانهاست. جان کری بعداز نشست لوزان و لندن منفعلانه و از روی استیصال تاکید کرده «فکر نمی کنم که پارلمان کشورهای اروپایی آماده اعلان جنگ باشند، چون باعث تقابل قدرت های بزرگ و پیامدهای فاجعه آمیزی خواهد شد!».

۱۴- تمام نگرانی های امریکا و دلایل شکست‌های این کشور در منطقه را شاید بتوان در یک جمله فریدمن، تحلیلگر معروف پایگاه اینترنتی یدیعوت آحارونوت جمع کرد که گفت: «هم حزب الله و هم انصارالله و هم الحشدالشـــعبی، اهداف و آرمان های خود را از انقلاب اسلامی ایران الهام گرفته‌اند.».

دکتر محمد حسین محترم

گزارش کیهان از پشت صحنه تغییر ۳ وزیر

سریال سرکار گذاشتن ملت این قسمت؛ تعمیر کابینه!

سرویس سیاسی- **غالب شعارهای انتخاباتی دولت تدبیـــر و امید در حوزه اقتصاد و معیشت مردم بود که محقق نشد با این وجود تغییرات صورت‌گرفته در کابینه را در ۷ ماه مانده بـــه انتخابات چگونه می‌توان توجیه کرد؟!**

در حالی‌کـــه دولت تدبیر و امید در ســـال پایانی خود به سر می‌برد و تنها ۷ ماه به انتخابات زمان مانده اســـت تغییراتـــی در کابینه دولت اتفاق افتاد کـــه کمترین رابطه را با اقتصاد و معیشت مردم دارند؛ یعنی همان چیزهایی که اغلب شعارهای انتخاباتی این دولت را در بر می‌گرفت.

هفته گذشـــته سه تن از وزرای دولـــت از وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش و ورزش و جوانان کنار گذاشته شده یا با استعفای آنها موافقت شد. این در حالی است که انتظار می‌رفت با توجه به شعارهای انتخاباتی دولت و عدم تحقق آنها وزارتخانه‌هایی مثل صنعت و معدن یا راه و شهرسازی برای اعمال تغییـــرات، مورد توجه دولت باشند.

اهداف دولت تدبیر و امید

رئیس جمهور دیروز در همایش روز ملی روستا و عشایر که در سالن اجلاس سران برگزار شد گفت: «اگر دولـــت برای ثبات وزیر عوض نکند، روزنامه‌هـــا و ســـایت‌های بداخلاق می‌گویند چرا دولت این وزرا را عوض نمی‌کنـــد، می‌رود تغییر ایجاد کند، همان بداخلاق‌ها می‌گویند چرا عوض می‌کند؟ رئیس دولت تدبیر و امید خاطرنشـــان کرد: «برادر عزیز من، هدف کشور توسعه و تعالی است.»

وی هدف از این تغییرات صورت گرفته در کابینه را چنین بیان کرد: «هدف کشور توسعه و تعالی است و هـــدف دولت خدمت به جامعه و مردم اســـت؛ در راه خدمت گاهی نیاز به تثبیت مدیر اســـت و گاهی نیز نیاز به تغییر است.»

به راستی اگر هدف کشور توسعه و تعالی و هـــدف دولت خدمت به جامعه و مردم است کدام وزارتخانه‌ها برای تغییرات در اولویت بودند؟

بی‌برنامه‌ترین وزارتخانه دولت

روند رو به رشد جمعیت در چند دهه اخیر از یک ســـو و بی‌توجهی به نیازهـــای آتی آن باعث شـــده که مشـــکل مســـکن از اصلی‌ترین دغدغه‌های جامعه ما باشد. مسکن درصد بالایی از سبد هزینه خانوار را به خود اختصاص می‌دهد و اگر عزم دولت بر این بود که بازار مسکن را ســـاماندهی کرده و در کنترل خود داشـــته باشـــد، بخش عمده‌ای از هزینه خانـــوار کاهش می‌یافت. لذا می‌توان گفت مســـکن بدون تردید در ریشه‌کن کردن فقر و گسترش عدالت اجتماعی نقش ویژه‌ای دارد.

با اینکه موضوع مسکن به صورت مســـتقیم و غیرمســـتقیم بر دیگر مســـائل در جامعه و خانـــواده نیز اثرگذار است، عباس آخوندی وزیر مسکن دولت تدبیر و امید یک‌سال پـــس از روی کار آمدن این دولت گفت: «نرخ اجاره‌بها تاکنون افزایش ۸ درصدی داشته و نیازی به کنترل فیزیکی بازار اجاره‌بها در تابســـتان امسال [۱۳۹۳] نمی‌بینیم!»

طرح مسکن مهر حرکتی جدی و عملیاتـــی برای برطـــرف کردن مشـــکل مســـکن برای تمام اقشار جامعه، خاصه اقشـــار کم‌درآمد و حذف قیمـــت زمین از قیمت تمام شده مســـکن بود. البته این طرح مانند بسیاری از طرح‌هایی که تازه آغاز می‌شـــود با ایرادها و اشکالاتی همراه بود که وزیر راه و شهرسازی دولـــت تدبیر و امیـــد به جای حل ایرادات طرح و عرضه بهتر مسکن مهر به متقاضیان، به کلی این طرح را رد کـــرد و ایـــن در حالی بود که آخونـــدی در همان ایـــام از طرح «مسکن اجتماعی» به جای مسکن مهر ســـخن گفت. طرحی که تا به امروز نـــه تنها کمترین کار اجرایی در مورد آن صورت نگرفته اســـت بلکه حتی خـــود وزیر هم دیگر در مورد آن اظهارنظری نکرد.

طرح خیالی مسکن اجتماعی به جای مسکن مهر

وقتی عباس آخوندی در مجلس برای کسب رای اعتماد حاضر شد، گفت که هیـــچ‌گاه مخالف با طرح مســـکن مهر نبوده است و مشکل را در خدمـــات زیربنایی این طرح می‌داند و نسبت به سطح مدیریت دولت در طرح مســـکن مهر انتقاد دارد. امـــا وی پس از رســـیدن به وزارت، مســـکن مهـــر را عامل ۴۰ درصـــد تورم دانســـت. اظهارات او واکنش کارشناســـان و نمایندگان مجلـــس را درپی داشـــت که تاثیر مســـکن مهـــر را در تـــورم ناچیز می‌دانســـتند. البته آخوندی وعده تکمیل واحدهای باقی مانده مسکن مهـــر، تکمیل و پیگیـــری خدمات زیربنایی و خدمات بانکی مرتبط را داد، وعده‌ای که با گذشت چند سال به تمامی جامه عمل نپوشیده است.

ایرادهای وزیر راه و شهرسازی به طرح مســـکن مهر به اینجا ختم نشـــد و در نهایت اوایـــل آبان ماه دســـتور توقف مسکن مهر را صادر کرد. آخوندی در حاشـــیه جلســـه هیئت دولـــت در اول آبان ۱۳۹۲ گفت: «خیلی طـــرح جالبی نبوده اســـت که گفتـــه می‌شـــود که آیا متوقف می‌شـــود یا نه چرا که باید متوقف شود.»

اوایل خرداد ماه ســـال ۱۳۹۳ نیز خبری منتشـــر شـــد مبنی بر اینکه بانک مسکن پرداخت هزینه آماده‌سازی پروژه‌های مسکن مهر از محل آورده متقاضیان را متوقف کرده است و این اقدام بانک مسکن باعث توقف پروژه‌ها خواهد شـــد. بلافاصله پس از روی کار آمدن دولت یازدهم موضوع توقف طرح مسکن مهر مطرح شد. اگر چه دولت یازدهم متعهد شده بود واحدهای مسکونی کســـانی را که تـــا آن تاریخ در این طرح ثبت‌نام کـــرده بودند تحویل دهد، اما از توقف طرح مسکن مهر سخن گفت. این دستور وزیر راه و شهرســـازی در حالی صادر شد که دولـــت یازدهم هیـــچ برنامه جامع و مشـــخصی برای تامین مســـکن مردم نداشـــت و فقـــط به صورت کلـــی و بدون ارائه جزئیات از طرح مســـکن اجتماعی سخن گفته بود. این دستور با توجه به نیاز سالانه ۲ میلیون واحد مسکن موجب اعتراض بسیاری از کارشناسان و نمایندگان مجلس شد زیرا وزیر راه و شهرسازی بدون ارائه برنامه برای تامین مسکن مورد نیـــاز مردم، مســـکن مهر را متوقف کرده بود.

بقیه در صفحه ۱۰

خبر ویژه

این همه تناقض در ماجرای تغییر ۳ وزیر؟!

مردم متاسفانه در ماجرای تغییر ۳ وزیر شاهد یک بازی سیاسی بودند.

روزنامه جوان درباره تغییر وزرای ورزش، ارشـــاد و آموزش و پرورش نوشت: در هیچ نظام سیاســـی، بازی موش و گربه صورت نمی‌گیرد و اگر رئیس دولتی به این جمع‌بندی رسیده باشد که فلان دستگاه مدیریتی نتوانسته خواسته‌های او را که در دوران تبلیغات انتخاباتی به مردم وعده داده بود، عملی کند و شهروندان نیز از عملکرد آن دستگاه به کرات شکایت و اعتراض کرده‌اند، بدون واهمه و بازی‌های سیاسی، وزیر مربوط را تغییر داده و رئیس‌جمهور یا سخنگوی دولت به صراحت اعلام می‌کنند به این دلیل چنین تغییری صورت گرفته است.

این در حالی اســـت که در تغییر ســـه وزیر یاد شده دقیقا مردم شاهد یک بازی سیاسی بودند. استعفای وزیر ارشاد، آموزش و پرورش و ورزش و جوانان در بین افکار عمومی منتشـــر می‌شود ولی صدایی از دولت و تیم اطلاع‌رسانی آن بلند نمی‌شود و برعکس، دو وزیر آموزش و پرورش و ورزش اصرار می‌کنند که هیچ استعفایی در کار نبوده! به تعبیر دیگر، استعفای خود ساخته‌ای از دولت صورت می‌گیرد و این دو نیز برای پوشش برکناری وزیر ارشاد باید همراهی می‌کردند.

با این تفاوت که در این ســـناریو، وزرای آموزش و پرورش و ورزش از نقش خود چندانی اطلاعی نداشتند. این در حالی است که اگر قرار باشد وزیری به جهت حرکت کنـــد یا برآورده نکردن مطالبات رئیس‌جمهور و مردم در حوزه وظیفه‌ای خود تغییر کند چرا باید به وی اصرار شود که شما باید استعفا بدهید، استعفا برای زمانی است که جرمی را فردی مرتکب شـــده و به جهت حفظ آبروی او، تصمیم گرفته می‌شود مقام مربوط با استعفا از قدرت کنار برود.

جوان می‌افزاید: اگر موضوع کارآمدی و پاســـخگویی به مطالبات مردم اســـت به طریق اولی وزارتخانه‌هایی که با نان و زندگی مردم ارتباط بیشـــتری دارند، مستحق تغییر هســـتند. حتما ضعف‌های اساسی در وزارت آموزش و پرورش و ورزش بود که رئیس‌جمهور را متقاعد به این تغییر کرده، ولی آیا مشکل وزارت ورزش بیشتر است یا وزارت صنایعی که هر روز شاهد مرگ صنعت کشور هستیم و کارگران بیکاری را می‌بینیم که به خیل عظیم آنها افزوده می‌شود.

اینکه از مجموع کارخانجات یک استان که روزگاری نه چندان دور چرخ اقتصاد یک کشور را می‌چرخاند و امروز قادر به چرخاندن اقتصاد استان خود نیست، نیازمند تغییر مدیران کلان آن مجموعه اســـت یا مثلا وزارت ورزشی که حداکثر آسیب آن کندی در دستیابی به پله‌های پیشرفت در ورزش قهرمانی است که از قضا در سال‌های اخیر به هر دلیلی این چنین نبوده است. دردآور است مردم زیر چرخ اقتصاد و بیکاری له می‌شوند و وزرایی که سن آنها اجازه هر نوع فعالیت شتاب‌انگیزی را از آنها سلب کرده و نگاه آنها نیز برخلاف حرکت انقلابی و پرتحرک برای رفع مشکلات مردم است. بر کرسی صدارت خود تکیه زده‌اند و بی‌آنکه لحظه‌ای احساس گناه از این کم‌کاری‌ها داشته باشند، شاهد سکون و تعطیلی بیشتر صنعت کشور هستند.

محمد هاشمی: تغییرات کابینه بی‌تدبیری بود

عضو جداشده حزب کارگزاران، تغییرات دولت را بی‌تدبیری خواند.

محمد هاشمی رئیس دفتر هاشمی رفسنجانی به عصر ایران گفت: با توجه به زمان باقی‌مانده تا پایان عمر دولت یازدهم، تغییر در دولت بی‌تدبیری بود.

وی خاطرنشان کرد: تا وزیر معرفی شود و از مجلس رای بگیرد و معاونین خود را معرفی کند تقریبا عمر دولت به پایان رسیده است و او دیگر فرصت ارائه برنامه‌های خود را ندارد و مجبور است برنامه‌های گذشته که توسط وزیر قبلی تبیین شده است را ادامه دهد.

وی گفت: اگر وزیر جدید دست به تغییر در وزارتخانه بزند، آن نهاد دچار تزلزل می‌شود و کارها پیش نمی‌رود.

محمد هاشـــمی افزود: من برای تغییرات دولت در این زمان توجیهی ندارم. یک زمانی مجلس استیضاح می‌کند و دولت مجبور است وزیر خود را تغییر دهد اما وقتی مجلس کاری ندارد و دولت دست به تغییر می‌زند تمام مسئولیت برعهده دولت است و کسی در این زمینه کوتاهی نکرده است.

محمد هاشمی خاطرنشان کرد: باید هرچه زودتر وزیر معرفی شود. من نمی‌دانم در این زمان کسی مسئولیت را قبول می‌کند یا خیر؟ واقعا در این فرصت کوتاه زمان برای کار و ارائه برنامه‌ها مناسب نیست.

دلواپسی روزنامه اعتماد برای وعده‌های عملی نشده دولت

«امیدهای فعالان اقتصادی و صادرکنندگان به وعده‌های برجامی بی‌پاسخ مانده است».

روزنامه اعتماد در گزارشی نوشت: سال گذشته و همزمان با برداشته شدن تحریم‌ها و اجرایی شدن برجام بود که جواد ظریف به همراه معاون اول رئیس‌جمهور به جمع صادرکننده‌ها رفت تا روزگار بهتری را برای تجار ایرانی نوید دهد صادرکننده‌ها آن روز با کف‌های ممتد از ظریف و تیم هسته‌ای کشور به خاطر زحماتش در لغو تحریم‌ها و باز شدن درهای تجارت خارجی به روی ایران تقدیر کردند.

اعتمـــاد تصریح می‌کند: مطالبات صادرکنندگان رنگ کهنگی به خود می‌گیرد. حضور رئیس‌جمهور در جمع صادرکنندگان در حالی اســـت که یک ســـال از برجام گذشته است و هنوز مطالبات صادرکننده‌ها روی کاغذ مانده است؛ نه خبری از جوایز صادراتی است و نه از مشوق‌های صادراتی.

انگار همین دیروز بود که چشمان صادرکننده‌ها از خوشحالی و امید برق می‌زد. آنها خواسته‌های‌شان را که در سال‌های گذشته بارها تکرار کرده بودند، این‌بار امیدوارانه‌تر تکرار کردند تا تیم هسته‌ای در مذاکره‌های آتی، توسعه صادرات کشور را مدنظر قرار دهند. معاون اول رئیس‌جمهور که خود بوی صنعتی می‌دهد و سال‌های سال در کسوت وزیر صنایع و معادن دولت اصلاحات سکاندار وزارت صنایع و معادن بوده، بهتر از همه می‌داند که صادرکننده‌ها امروز با چه مشکلاتی روبه‌رو هستند. از همین رو، در تمام نشست‌های خود با تولیدکننده‌ها و تجار به آنها امید روزهای بهتر تزریق کرده است. وعده‌ای که حالا بعد از یک سال، خیلی‌ها را از اجرایی نشدن آنها نگران کرده است.

در آن روز صادرکننده‌هـــا با امید و خنده ســـالن اجـــلاس را ترک کردند و امید داشتند که یک سال بعد و در روزی که باز هم میزبان مردان عالیرتبه دولتی خواهند بود، وعده‌های قبلی را تکرار نکنند و خواســـت‌های جدیدتری از دولت مطالبه کنند؛ اما هم‌اکنون بعد از گذشت یک سال از آن روز باز هم مطالبات صادرکننده‌ها همان مطالبات قدیمی است که قدمت‌شان از عمر برنامه‌های توسعه حتی بیشتر است.

جوایز صادراتی که سال‌هاســـت فقط نامی از آن شنیده می‌شود، امسال بالاخره رئیس سازمان توسعه تجارت از قرار گرفتن دوباره این موضوع در دستور کار دولت خبر داده است. درهای بسته سیستم بانکی که قرار بود بعد از برجام به روی صادرکننده‌ها و صنعتی‌ها باز شود یا مشوق‌های صادراتی که پشت چراغ قرمز مانده بود و صادرکننده‌ها را دلزده کرده بود، در کنار بروکراسی اداری و تنگناهایی سیاسی که هنوز هم تحریم‌ها را دستاویز مراوده با ایران کرده، موجب شده تا امسال هم صادرکننده‌ها دلسردتر از همیشه خود را برای حضور در جشن روز صادرات آماده کنند.

همزمانی یک ســـالگی برجام و آخرین ســـال از نخستین دوره ریاست‌جمهوری روحانی موجب شـــده تا درخواســـت‌ها و مطالبات بخش خصوصی و صادرکنندگان ایران از رئیس‌جمهور رنگ و بویی جدی‌تر به خود بگیرد و این تجار ایرانی مطالبات خود را با قدرت بیشتری از دولت مطالبه کنند.

این روزنامه که ظاهرا با تاخیر ۳ ساله، دلواپسی‌هایی پیدا کرده، می‌نویسد: همه حرف از رشد اقتصادی می‌زنند اما باید نگران بود.

پزشکیان: برکناری ۳ وزیر کمکی به حل مشکلات نمی‌کند

عضو فراکسیون امید گفت تغییر ۳ وزیر کابینه اقدام مناسبی نبود.

مســـعود پزشکیان در گفت‌وگو با ایلنا، ضمن تأکید بر این که استعفای همزمان سه وزیر کابینه تدبیر و امید در مقطع فعلی کمکی به حل مشکلات نمی‌کند، گفت: مشـــکلات با تغییر و جابجایی افراد حل نمی‌شوند؛ ممکن است بخشی از مشکلات بخاطر نحوه مدیریت باشـــد اما مشکل اساسی در ساختار، قوانین و همچنین منابع مالی و بسیاری دیگر از مسائل است.

او گفت: با توجه به زمان اندک باقی مانده تا پایان کار دولت، زمان مناسبی برای ترمیم کابینه نبود؛ دولت باید از همان ابتدا در مورد این که با چه کسی کار می‌کند، تصمیم بگیرد و هنگامی که قرار شـــد با فلان وزیر همکاری کند، تا پایان کار از آن وزیر و برنامه‌هایش حمایت کند.

نایب‌رئیس مجلس دهم خاطرنشـــان کرد: هنگامی که با کسی پیمان همکاری می‌بندیم، درست نیست در میانه راه یکدیگر را رها کنیم؛ چرا که این شیوه مغایر با اصول مردانگی و صداقت است، مگر این که یکی از طرفین به تعهد خود عمل نکند.

واگذاری انتخاباتی آموزش و پرورش به یک مدیر فصلی

معرفـــی یک مدیر همه کاره و هیچ‌کاره نیم‌بند برای تصدی وزارت آموزش و پرورش این ســـؤال را مطرح می‌کند که آیا هدف از وزارت وی، حل مشکلات این وزارتخانه و فرهنگیان و دانش‌آموزان است یا صرفا یک تدارک انتخاباتی اورژانسی مطرح است؟!

محمدعلـــی نجفی دیروز در گفت‌وگو با ایلنا ضمـــن تأیید اینکه فردا (امروز) به عنوان گزینه نهایی وزارت آموزش و پرورش به مجلس معرفی می‌شود، اظهار داشت: در حال حاضر در حال تدوین برنامه های پیشنهادی خود برای تصدی‌گری در وزارت آموزش و پرورش هستم و پس از تکمیل آن را به دولت ارائه خواهم داد تا در نهایت دولت برنامه‌ها را به مجلس ارائه دهد.

این در حالی است که هفته گذشته رسانه‌های اصلاح‌طلب فاش کردند نجفی به طور غیررسمی رئیس ستاد انتخابات روحانی برای انتخابات ۹۶ شده است. حدود ۵ میلیون دانش‌آموز دبیرســـتانی در سن رأی دادن هستند و بالغ بر ۲ میلیون نفر نیز مجموعه کادر آموزش و پرورش محسوب می‌شوند.

نجفـــی عضو مرکزیت کارگزاران هرچند تکنوکرات (فن‌ســـالار) معرفی می‌شود اما در حقیقت اعتقادی به تخصص ندارد. وی از وزارت آموزش عالی در دولت هاشمی به ریاست سازمان برنامه و بودجه در دولت اصلاحات نقل مکان کرد. ســـپس به عضویت شورای شهر سوم تهران درآمد. مشاور کروبی در انتخابات سال ۸۸، از فتنه‌گران حمایت می‌کرد و به همین دلیل، مجلس نهم وی را برای تصدی وزارت آموزش و پرورش در سال ۹۲ نپذیرفت. پس از آن، آقای روحانی، نجفی را بدون رعایت تناسب و تخصص به ریاست سازمان میراث فرهنگی و گردشـــگری منصوب کرد. بهمن ۹۲، آقای روحانی همین فرد را به ریاســـت دبیری ستاد هماهنگی اقتصادی دولت گماشت و پس از اســـتیضاح فرجی‌دانا، وی را به سرپرستی وزارت علوم منصوب کرد. نجفی با بیان اینکه دارای بیماری قلبی است و نمی‌تواند کار سنگین اجرایی کند، از ریاست سازمان میراث فرهنگی کناره‌گیری کرده بود و معلوم نیست آیا پس از ۳ سال، وضعیت قبلی قلب وی بهبود پیدا کرده است، یا مسئله اورژانسی انتخابات و ضرورت ساماندهی ماشین رأی در آموزش و پرورش - به ویژه بعد از افشای اختلاس ۸ هزار میلیاردی در صندوق ذخیره فرهنگیان- در میان است.

گفت و شنود

تکلیف

گفت: برخی از اقتصاددانان حامی دولت هم دادشان از ناکامی دولت در گشایش اقتصادی به آسمان بلند شده است.

گفتم: خب! حق دارند، قرار بود در صد روز اول دولت، اوضاع اقتصادی سر و سامان بگیرد ولی هزار و صد و چند روز گذشته است و هنوز خبری نیست.

گفـــت: یکـــی از مدعیـــان اصلاحات گفته اســـت؛ عده‌ای نمی‌گذارند دولت کارش را انجام بدهد!

گفتم: ابتدا دولت باید دقیقا مشـــخص کند که قصد داشت کدام مشکل اقتصادی را حل کند و چه برنامه‌ای برای انجام آن داشته است تا بعد بتواند بگوید چه کسانی مانع شده بودند؟!

گفت: بهانه‌جویی که شاخ و دم ندارد!

گفتم: دانش‌آموزی از معلمش پرسید؛ آیا عادلانه است کسی را به خاطر کاری که انجام نداده است مجازات کرد؟ معلم گفت؛ نه پسرجان! هیچکس نباید به خاطر کاری که انجام نداده مجازات شود. دانش‌آموز گفت؛ آقا اجازه! من تکلیفم را انجام نداده‌ام!

نکته

اگر انگلیسی نیستید بسم‌الله...!

یکی از مبلغان شیعه انگلیسی طی سخنانی، ضمن حمایت از قمه‌زنی، این اقدام را دفاع از تشیع دانسته و گفته است «تعجب‌آور است بعضی‌ها از اینکه در راه امام حسین(ع) خون ریخته شود، وحشت دارند»! ایشان که دولت انگلیس چند شبکه تلویزیونی فارسی‌زبان را در اختیار او قرار داده است، در حالی قمه‌زنی را خون دادن در راه امام حسین علیه‌السلام معرفی می‌کند که جریان وابسته به وی نه فقط در مقابل قتل عام شیعیان در برخی از کشورهای منطقه و جنایات آمریکا و انگلیس و اسرائیل علیه جهان اسلام و به ویژه جهان تشیع، مهر سکوت بر لب زده‌اند، بلکه از طریق شبکه‌هایی که دولت انگلیس در اختیارشـــان گذارده است، به حمایت‌های گسترده مستقیم و غیرمســـتقیم از قدرت‌های استکباری نیز مشغولند این جماعت توضیح نمی‌دهند که اگر خواهان خون دادن در راه امام حسین (ع) هستند چرا برای دفاع از حریم اهل بیت‌علیهم السلام به مقابله با تکفیری‌ها که به خون شیعیان تشنه‌اند، نمی‌روند؟ و چرا با دشمنان تابلودار تشیع که بارها کینه‌توزی خود علیه شیعیان را در عمل نشان داده‌اند، سر دشمنی ندارند، اگر آنگونه که ادعا می‌کنند، حسینی هستند؟ بسم‌الله این گوی و این میدان!

**این مبلغ شـــیعه انگلیسی با عوامفریبی ادعا کرده است «بســـیاری از اعاظم فقهای شیعه، فتوا به جواز قمه‌زنی داده‌اند»! وی بدون اینکه نامی از فقهای مورد ادعای خود به میان آورد، گفته است «مخالفان قمه‌زنی، چه قاصر و چه مقصر، جهنمی هستند»! که باید پرسید؛ آیا شیخ انصاری که به خاتم‌الفقهاء والمجتهدین شهرت دارد و اینگونه اعمال را حرام می‌دانســـت هم جهنمی اســـت؟! و یا مرحوم آیت‌الله سیدکاظم یزدی، صاحب کتاب عظیم و ماندگار عروةالوثقی که می‌فرمود «اتیان به اعمال مذکوره به عنوان عبادت، تشریع بدعت است» نیز جهنمی خواهد بود؟! و اما، این دو پرسش ساده نیز از جماعت یاد شده پرسیدنی اســـت؛ اول آن که اگر بینش و منش آنان در زیرمجموعه اهداف خباثت‌آمیز دولت